

# بحث علمی نظریه و استنباط

علامه بزرگ حضرت آقای سید احمد فاطمی که اجله علاء و دانشمندان کیلان هستند شرح زیر را برای استفاده همگان در اختیار نشریه راه حق گذارده اند.

حجتی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين الذي يهلك ملوكاً ويستخلف آخرين والصلوة و السلام على محمد خير الخلائف اجمعين من الاولين و الاخرين وعلى خلفائه المعصومين

(واذ قال ربك للملائكة اني جاعل في الارض خليفة قالوا اتجعل فيها من يفسد فيها ويسفك الدماء ونحن نسبح بحمدك ونقدس لك قال اني اعلم ما لا تعلمون)

حضرت آفریدگار در موقع عزیمت آفرینش بشر، تصمیم خود را بملائکه ای که ساکن زمین و یا داوطلب سکونت زمین بودند باقتضای رأفت ربوبی نه از روی مشاوره آکتساب نظر (تعالی) افشانمود.

فرمود میخواهم در زمین مردمی که خلف (بسکون لام) و خلف (بفتح لام) و جانشین و یارگار باشند پدید آورم. خلیفه دو نوع است: تکوینی و تشریحی.

خلیفه تکوینی بشری است که از طریق شهوت بوسیله تولد از بشر دیگر بوجود آید تمام اولاد آدم ابوالبشر خلیفه باین معنی هستند که جمیع این خلیفه خلائف میشود (وجعلناکم خلائف هو الذی جعلکم خلائف)

خلیفه تشریحی پدیدار میشود از اتصاف شخصی بصفات خاصه (انی جاعلک للناس اماماً وجعلنا اخاه هرون و وزیراً. انت منی بمنزلة هرون من موسى. یاد اودانا جعلناک خلیفه فی الارض). کلیه انوار الهی از انبیا و اولیا خلیفه باین معنی هستند که جمیع آن میشود خلفاء.

خلقت ملائکه، خلیفه ای و تولدی نیست. هر کدام بلا واسطه، مخلوق اراده حضرت پروردگار و بامخلوق خلیفه ای سنخیت ندارند و در عین حال بالهام الهی و یا از روی قیاس بسکنه مفسد سفاک قبلی زمین، خصوصاً باملاحظه تکون خلائف از طریق شهوت که ام الفساد است بطبعیات خلائف پی بردند، زهائی و خلاصی از فساد جلی را برای غیر انوار الهی و برای

سوی مؤمنین مخلصین که شیطان از اغوای آنها مأیوس است بسیار دشواری دارند  
 لذا در مقابل فرمان افشاء تصمیم از روی تحیر و تعجب بطور استفهام نه بعنوان اعتراض  
 و خواهی عرض کردند بارالها آیا خلیق میفرمائی کسانی را که مفسد و خونریزند در حالیکه  
 ما خیل ملائکه بدون فساد و عصیان دائماً تسبیح و تحمید و تقدیس مینمائیم؟  
 از بیان ملائکه معلوم میشود کلمه خلیفه در آیه فوق آدم ابوالبشر نیست.  
 برای اینکه آدم سوء سابقه نداشته و ملائکه نسبت بآدم مسجود بدین نبودند پس باید خلیفه  
 عبارت از معنای واحد عام اسم جنسی اعم از تکوینی و تشریحی باشد. خداوند در جواب  
 ملائکه فرمود من میدانم چیزی را که شما نمیدانید. ملائکه متنبه شدند باینکه اسرار  
 خلقت الهی بیش از محیط دانش آنهاست لذا عرض خود را تعقیب نکردند و منتظر بروز مصالح  
 شدند تا اینکه مشاهده کردند که خداوند متعال از فساد و افساد عمومی و از قتل عام دفاع و  
 علاج نمود چنانچه می بینیم تاکنون دفاع نموده و میدانیم تا یوم یمالا الارض قسطاً و عدلاً  
 دفاع خواهد نمود و این دفع را در دو آیه از دو سوره قرآن کریم اشعار فرمود

۱ - ولولا دفع الله الناس بعضهم ببعض لفسدت الارض (سوره مبارکه بقره)

۲ - ولولا دفع الله الناس بعضهم ببعض لهدمت صوامع وبيع وصلوة

و مساجد (سوره مبارکه حج)

تقریب استدلال اینکه کلمه دفع در آیه مصدر مضاف بفاعل است و دفع فساد در واقع  
 کار خداست.

بعض اول در هر يك از دو آیه مردم اشرار و اراذل و او باش و سفته یا جوج و ش و  
 ماجوج منش افسار گسیخته بی عاطفه خارج از حدود انسانیت و بیعلاقه بزندگانی و ضداحیاء  
 و آبادی و باقی بر اضلیت حیوانی و کلمه بعض دوم در هر يك از دو آیه اشخاص صلح طلب  
 امنیت خواه و آرامش جو، علاقمند بزندگانی مرتب طالب و رافع احیاء و آبادی میباشند  
 میفرماید خداوند دفع میکند اشرار و او باش مرقومین را بوجود اشخاص صلح و سازش جو،  
 و آرامش خواه و اگر دفع الهی نباشد دین و دنیا فاسد میشود. در آیه اول میفرماید اگر دفع  
 الهی نباشد فساد عمومی در زمین بوجود میاید برای اینکه تهاجم اشرار و اراذل امر فلاح  
 و تجارت و زراعت و حمل و نقل را مختل مینماید.

بازارها و مجامع عمومی علمی و اقتصادی تأسیس نمیشود، طرق و شوارع مقطوع،  
 قحط و غلارخ میدهد زندگی عمومی بمخاطره میافتد و همگی بحال وحشیگری و اضطراب  
 باید بسر برند و مردم بدون رعایت هیچگونه قوانین بزندگی رقت بار ادامه دهند و در آیه ثانی  
 اشاره بفساد دین است:

اگر دفع الهی نباشد هدم آثار دین و دیانت میشده اعظم ادیان الهی که دین کلیم و  
 دین مسیح و اسلام است و از آنها تعبیر بصوامع و بیع و مساجد فرموده اصلا در زمان انبیاء

مرفومین بمنصه ظهور نمیرسیده و بعثت انبیاء بی نتیجه و عقیم میشده بنا بر این قوام دین و دنیا بهمت والای بعض دوم است .

همه آنها در سازمان دفع فساد و افساد اعمال الهی میباشند و معرفت و شناختن آنها منوط بدقت تفکر در دستجات خلافت است .

بر جمعیت ترین دستجات شاید فلاحین و اهل مراتع و مزارع باشند که مولد ارزاق بشرند. دسته دیگر کسبه و تجار و حمل و نقلچی ها که بسط ارزاق مینمایند و استادان و صنعتگران و مهندسیین و مخترعین که مهیا کننده لوازم زندگی بشرند. دانایان و دانشمندان و دبیران و معلمان که منابع همه فضل و هنر و کمالات هستند و اعظم از همه دستجات علماء روحانیون از انبیا و اولیایا که مردم را بطرف خدا سوق میدهند تا مسئول غضب الهی نشوند .

مسلم و بدیهی است است که هیچکدام از دستجات فوق مدافع اشرار نمی باشند و چنانکه دفع اشرار بعمل نیاید هیچیک از دستجات مرفومین بآداء وظائف خود موفق نخواهند شد باقی میماند یکدسته که بر حسب مصالح و الهامات الهی با اختلاف نژاد و زبان و عقاید و مذاهب و مقاصد دنیوی و اخروی باقتضاء تجاذب سنخی بیکدیگر میرسند .

فقط يك هدف مشترك دارند و آن عبارتست از حفظ امنیت و آسایش تادرسایه آن به غرض شخصی دنیوی و یا اخروی اعم از حفظ مال و منال و مقام و یا خدمت به مخلوق و یا احیاء و آبادی و ترویج و تقویت دین نائل آیند لذا برای حفظه منظور مشترك ایجاد تشکیلات مینمایند و البیق اشخاص را بر ریاست کل انتخاب و بر حسب ایاق تعیین وزراء و روسا و امرای کشوری و لشگری نموده بنام تشکیلات دولتی تأسیس مینمایند .

بنا بر این در سازمان دفاع حفظ امنیت و آسایش؛ خداوند متعال صاحب کار و تمام اعضاء و اجزاء عالی و دانی دولتی باید بخود در اعمال الهی بدانند و کمک و اعانت هر جهتی راجع بتشکیلات و انجام مقررات. معاونت و همراهی در سازمان مزبور خواهد بود و بدیهی است که مخالفت در مقررات این سازمان از کلی و جزئی از هر کس اهم از اعمال داخلی و یا خارجی مخالفت در کار خدائی خواهد بود .

هر درجه از فساد از جزئی و کلی در شهرها و جادهها و قراء و قصبات و غیره بروز کند اجزاء این سازمان بمجرد ابلاغ عدهای را اعزام و فساد را دفع نمایند مسامحه و سهل انگاری در دفع فساد موجب کثرت مفسدین و باعث ادامه فساد و موجب مسئولیت الهی خواهد بود .

نا گفته نماند

وای بروزی که بگنند نیک

هر چه بگنند نمکش می زنند

احمد الله على الانعام والسلام